

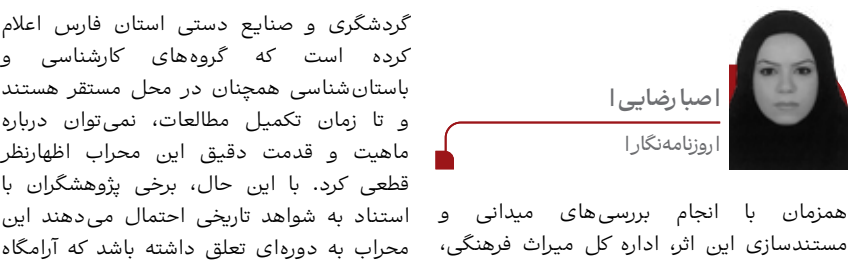


ایستگاه

یافته تازه باستان‌شناسان می‌تواند بخشی از دوره اسلامی پاسارگاد و تغییر کاربری آرامگاه بنیانگذار هخامنشی را روشن کند

اسرار محرابی در آرامگاه کوروش

کشف یک محراب سنگی در جریان مرمت و ساماندهی کاروانسرای محوطه جهانی پاسارگاد، توجه‌ها را دوباره به یکی از دوره‌های کمترشناخته‌شده تاریخ این مجموعه جلب کرده است؛ دوره‌ای که آرامگاه کوروش برای مدتی کاربری مذهبی پیدا کرد و فضای اطراف آن به مسجد تبدیل شد. هرچند تاریخ دقیق این محراب هنوز مشخص نیست، کارشناسان معتقدند این یافته می‌تواند اطلاعات تازه‌ای درباره تغییرات پاسارگاد پس از دوره هخامنشی در اختیار پژوهشگران قرار دهد.

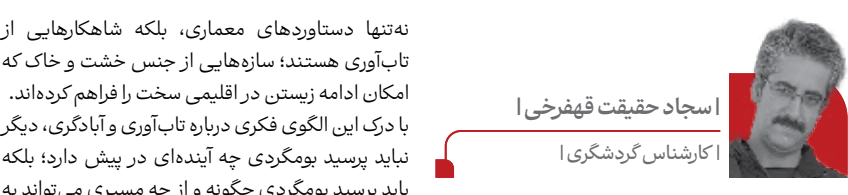


همزمان با انجام بررسی‌های میدانی و مستندسازی این اثر، اداره کل میراث فرهنگی،

| یادداشت |

هفت مرحله تا پادشکندگی بومگردی

مرحله اول؛ ساختن مخاطب



آنچه در نه شماره گذشته به آن پرداختیم، تاریخچه بومگردی، نقد جریان خوشه‌سار و شکل‌گیری توده عظیم و بی‌شکل بومگردی بود. در این مسیر جریان خوشه‌سار بومی و ایده‌های کپارش اقتصادی را بررسی کردیم و درنهایت، مدل جدیدی از بومگردی‌ها را معرفی کردیم که آرام‌آرام در حال رشد هستند و مؤلفه‌های مشترک فراوانی دارند؛ مدلی که می‌توان آن را موج نوی بومگردی نامید. جریان موج نوی بومگردی، علاوه بر پیوند ارگانیک با مفاهیم بومی مانند آبادگری، ارتباط تنگاتنگی با توسعه پایدار دارد. حال به‌نظر می‌رسد پس از عبور از گذشته و نقد آن، باید در شماره‌های پیش‌رو با نگاهی به آینده این پرسش را مطرح کرد که بومگردی به کجا می‌رود؟ در شرایط عدم قطعیت عمیقی که کشور در چند سال گذشته با آن روبه‌رو بوده است، سخن گفتن از توسعه پایدار چه مفهومی دارد؟ آیا بومگردی اساساً ظرفیت عبور از بحران را دارد؟ شاید بهتر باشد به‌جای طرح این پرسش که «چه شد که خراب شد؟»، از اینجا به بعد به‌دنبال پاسخ این پرسش باشیم که در شرایطی که معادلات سرشار از مجهولات‌اند و هیچ‌کس از آینده وضعیت کشور باخبر نیست، «چه باید کرد؟»

ایران فرهنگی در طول تاریخ، بارها از دل بحران‌ها نه‌تنها عبور کرده، بلکه آن‌ها را به دستاوردهایی ارزشمند تبدیل کرده است. جنس تاب‌آوری ایرانی از سر استیصال و درماندگی نیست؛ بلکه خلاقانه است و همواره در جست‌وجوی راه سوم بوده است. برای نمونه، قنات، آب‌انبار و بادگیر در فلات مرکزی ایران و زیست‌کویری،

کوروش در سده‌های میانی کاربری مذهبی پیدا کرد و به مسجد تبدیل شد؛ دوره‌ای که در آن، شماری از ستون‌های کاخ‌های پاسارگاد به اطراف آرامگاه منتقل شدند و فضای پیرامونی آن دستخوش تغییراتی شد. این مداخلات در دهه‌های بعد و در جریان ساماندهی محوطه، برطرف شد و ستون‌ها به محل اصلی خود بازگردانده شدند.

اکنون با ادامه کاوش‌های باستان‌شناسی، مستندسازی دقیق و انجام مطالعات تطبیقی، کارشناسان امیدوارند این کشف بتواند ابعاد تازه‌ای از تاریخ کمترشناخته‌شده پاسارگاد را آشکار کند و به پرسش‌های موجود درباره تحولات کالبدی، کاربری‌های مذهبی و تغییرات تاریخی این محوطه جهانی پاسخ دهد؛ موضوعی که می‌تواند درک دقیق‌تری از روند دگرگونی‌های این مجموعه در دوره‌های مختلف تاریخی ارائه کند.

مسجدی در دل محوطه جهانی

آن‌طور که «سید عبدالمجید عابدی»، رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان پاسارگاد، می‌گوید، عملیات ساماندهی و مرمت کاروانسرای محوطه جهانی پاسارگاد به کشف یک محراب تاریخی انجامیده است؛ «این اثر ارزشمند در حین اقدامات حفاظتی و مرمتی در محوطه کاروانسرا شناسایی و بلافاصله مستندسازی شد.»

او با اعلام این خبر در جمع خبرنگاران استان فارس و با تأکید بر اهمیت این یافته، اضافه کرد: «این محراب از نظر معماری و ویژگی‌های هنری دارای اهمیت فراوانی است و می‌تواند اطلاعات تازه‌ای درباره پیشینه مذهبی، تحولات تاریخی و سبک معماری در این محوطه جهانی ارائه دهد. در حال حاضر کارشناسان متخصص در حال انجام مطالعات تکمیلی، شامل مستندنگاری دقیق، آسیب‌شناسی و بررسی‌های تطبیقی هستند تا دوره تاریخی دقیق ساخت و کاربری اصلی این محراب مشخص شود.»

به گفته عابدی، مهارت بالای سازندگان در اجرای عناصر تزئینی این اثر نشان‌دهنده جایگاه ویژه آن در ساختار معماری مجموعه بوده است. او همچنین بر ضرورت حفاظت از این اثر تأکید کرد و گفت: «عملیات حفاظت اضطراری و مستندسازی در حال رعایت کامل استانداردهای بین‌المللی در حال انجام است تا از هرگونه آسیب احتمالی جلوگیری

شود و نتایج نهایی پس از تکمیل مطالعات منتشر خواهد شد.»

بررسی‌های میدانی و یک فرضیه تاریخی

محراب تاریخی کشف‌شده و دیگر آثار تاریخی این منطقه در میان ساکنان روستای «مادرسلیمان» که به «تخت سلیمان» نیز معروف است، شناخته شده‌اند.

«بهزاد مریدی»، مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان فارس، درباره این اکتشاف به «پیام ما» می‌گوید: «همکاران اداره میراث فرهنگی در محوطه آرامگاه کوروش در حال انجام بررسی‌های میدانی بودند که در جریان این بازدید، یک محراب سنگی مشاهده شد. کارشناسان در حال بررسی و برآورد اولیه این یافته هستند و مطالعات تکمیلی درباره آن ادامه دارد.» او تأکید می‌کند: «هم‌اکنون گروه‌های کاوش و باستان‌شناسان در محل مستقر هستند و پس از پایان بررسی‌های کارشناسی، اطلاعات دقیق اعلام خواهد شد.»

مریدی همچنین به باورهای محلی درباره این محوطه اشاره می‌کند و می‌گوید: «روستای مادرسلیمان در این منطقه قرار دارد و برخی از ساکنان محلی این مجموعه را با نام تخت سلیمان می‌شناسند. چنین روایت‌ها و باورهایی در بخش‌های مختلف استان فارس نیز وجود دارد و در این منطقه نیز میان مردم رواج دارد.» به گفته او، در بخش فوقانی محوطه نیز وضعیت مشابهی وجود دارد و بررسی‌ها همچنان ادامه دارد: «یافته‌های به‌دست‌آمده می‌تواند نشان‌دهنده یک دوره تاریخی باشد. البته برای اعلام نظر قطعی باید منتظر نتایج بررسی‌های باستان‌شناسی و یافته‌های جدید ماند.»

از مسجد آرامگاه کوروش تا کشف محراب
نقل‌وانتقال آثار باستانی محوطه تاریخی پاسارگاد در دوره‌های مختلف تاریخی و ساخت‌وسازهایی که در هر دوره ایجاد شده است، این محراب تاریخی را در دل خاک مدفون کرده است. برخی کارشناسان معتقدند محراب کشف‌شده ممکن است به دوره‌ای تعلق داشته باشد که آرامگاه کوروش کاربری مذهبی پیدا کرده بود.

«محمد مهدی کلانتری»، دبیر انجمن حفاظت از بافت‌های تاریخی، در این‌باره به «پیام ما» می‌گوید: «در دوره اتابکان، برخی از ستون‌های کاخ‌ها را به اطراف آرامگاه کوروش منتقل کردند و چیزی است که به یک بومگردی معنا می‌بخشد.

کیفیت برگزاری این رویداد میان مهمان و میزبان اهمیت زیادی دارد؛ از شیوه نشستن و گفت‌وگو گرفته تا محتوای فضای دورهمی و حتی زمان مناسب برای ارتباط با مهمان. یک نوشیدنی خنک هنگام ورود می‌تواند سرعت شکل‌گیری رابطه میان مهمان و میزبان را افزایش دهد و یک لبخند می‌تواند احساس امنیت را در مهمان ایجاد کند.
منشور مکزیکوسیتی تأکید می‌کند کیفیت تجربه گردشگر بخشی از فرایند حفاظت از میراث است؛ زیرا انسان از چیزی محافظت می‌کند که آن را فهمیده و دوست داشته باشد، نه صرفاً از چیزی که دیده یا روایتی که شنیده است.

بومگردی درواقع مدرسه‌ای است که در آن گردشگر، شیوه زیستن در این سرزمین را می‌آموزد. اگر این آموزش در مکان درست، با روایت صحیح و بیانی مناسب انجام شود، از دل یک مسافر معمولی، یک «اکوتراولر» متولد می‌شود؛ کسی که هنگام ترک مقصد، فقط خاطره با خود نمی‌برد، بلکه احساس مسئولیت نیز همراه خود دارد.

این محوطه به مسجد تبدیل شد. تصاویر و گراورهای تاریخی نیز نشان می‌دهد که در اطراف آرامگاه ستون‌هایی برپا شده و از این مکان به‌عنوان مسجد استفاده می‌شده است.»
به گفته او، در جریان برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، این اقدام به‌عنوان یک مداخله در محوطه تاریخی تلقی شد، زیرا ستون‌ها از محل اصلی خود به این مکان منتقل شده بودند. به همین دلیل، تمامی ستون‌ها به محل اولیه خود بازگردانده شدند: «ستون‌ها به کاخ‌های پیرامون مجموعه پاسارگاد، از جمله کاخ شماره یک، بازگردانده شدند. البته این ستون‌ها دوباره برافراشته نشدند، بلکه تنها به محل اصلی منتقل و روی زمین قرار داده شدند. با این اقدام، وضعیت مسجدگونه‌ای که در اطراف آرامگاه کوروش ایجاد شده بود، از بین رفت و مداخله‌ای که در محوطه تاریخی صورت گرفته بود، برطرف شد.
حس می‌زنم این محراب نیز به همان دوره مربوط باشد.»

کلانتری اضافه می‌کند: «به احتمال زیاد این محراب نیز متعلق به همان دوره‌ای است که اطراف آرامگاه کوروش به مسجد تبدیل شده بود. البته در حال حاضر اطلاعات بیشتری در این‌باره در اختیار ندارم. تاکنون آسیبی به این بخش وارد نشده است. با توجه به تاریخی بودن این شهر، این احتمال وجود دارد که در لایه‌های زیرین، آثار تاریخی دیگری نیز وجود داشته باشد.»

نخستین پایتخت هخامنشیان
پاسارگاد در ۱۳۵ کیلومتری شمال غرب شیراز قرار دارد و مجموعه باستانی آن در سال ۱۳۸۳ در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید. در دشت مرغاب و جلگه پاسارگاد، سازه‌هایی باستانی از دوران هخامنشی به یادگار مانده‌اند که روایتگر شکل‌گیری یکی از مهم‌ترین امپراتوری‌های جهان هستند. این منطقه نخستین پایتخت هخامنشیان به شمار می‌رود و گسترده‌ترین و متنوع‌ترین مجموعه آثار این دوره تاریخی را در خود جای داده است.
محوطه تاریخی پاسارگاد پیش‌تر در ۲۴ شهریور ۱۳۱۰ با شماره ۱۹ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده بود و در ادامه نیز به‌عنوان پنجمین اثر ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار گرفت؛ اثری که به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد تاریخی و معماری، با اجماع کامل اعضای کمیته میراث جهانی به ثبت رسید.

| یادداشت |

در این نگاه، خانه دیگر صرفاً مکانی برای اقامت نیست؛ بلکه جایی است مانند خانه خود که باید حفظ و مراقبت شود. گردشگری آگاهانه و مسئولانه مسیری یک‌طرفه نیست، بلکه رابطه‌ای دوسویه و دادوستدی از جنس آگاهی و داش میان مهمان و میزبان است. صاحب بومگردی نباید منتظر گردشگر آگاه باشد، بلکه باید او را بسازد.

ساختن چنین گردشگری به تفکر و درک عمیق مفهوم آبادگری نیاز دارد. مطالعه منشورها به‌عنوان دستاورد تجربه بشری نیز می‌تواند به تولید ایده و خلاقیت کمک کند. صاحب بومگردی باید بداند مهمان سرمایه اوست و آینده بومگردی‌اش را کیفیت مخاطبانی تعیین می‌کند که می‌تواند بسازد.

این نخستین مرحله برای پادشکندگی یا تاب‌آوری خلاق بومگردی‌هاست؛ البته برای بومگردی‌هایی که احساس می‌کنند در جریان نوین جایگاهی دارند و قصد دارند از بحران‌های پیش‌رو عبور کنند.

بهتر است این‌گونه بیان کنیم که مسیر ادامه این ستون، گام‌هایی قدم‌به‌قدم برای رسیدن به تاب‌آوری خلاق یا پادشکندگی شدن است.



کتابخانه

نویت دوم	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
 اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران	
 آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه شهرستان ساری منطقه سه	
برابر رای شماره ۲۰۲۶۶هـ.ق/۱۴۵۶هـ.ش مورخه ۰۲/۰۳/۱۴۰۴که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه سه ساری تصرفات مالکانه آقای تقی فرح‌پور چورتی فرزند مهدی بشماره ملی ۵۷۶۹۵۳۱۳۵۵ بشماره پرونده ۱۶۵۸- ۱۴۰۴ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۱۰۷/۵ (صد و هفت متر و پنج سانتیمتر) مترمربع قسمتی از پلاک ۱۴۳ اصلی واقع در بخش ۳ ثبت ساری پایین درزا خریداری از آقای علی‌پور محرز گردیده است.	
	لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
	تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ فربرز یوسفیان حمیدی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساری منطقه ۳ شناسه آگهی: ۲۲۱۶۴۶۱

نویت دوم	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
 حوزه ثبت ملک ماسال	
 از اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ماسال به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال	
 هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۰ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
برابر رای شماره ۱۵۸۲هـ.ش/۱۴۵۶هـ.ش مورخ ۱۰/۰۲/۱۴۰۵ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای/ خانم سعید سحنائی طاسکوه فرزند جواد بشماره شناسنامه ۵۱۶۰۵۲۹۵۷ صادره از ماسال در شش دانگ یک قطعه زمین باغی یکپایخانه و محوطه به مساحت ۲۶۵ مترمربع پلاک فرعی ۴۰۶ از اصلی۱۹ بخش ۱۶ گیلان واقع در طاسکوه ماسال مفوزی ۱۶ فرعی خریداری از مالک رسمی و... محرز گردیده است.	
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهد شد.	
	تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ – تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ یداله شهبازی چلمه سرا – سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ماسال از طرف صائمه امجدی شناسه آگهی: ۲۲۱۶۴۲۷ به الف: ۷۸۸

نویت دوم	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
 حوزه ثبت ملک ماسال	
 از اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ماسال به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال	
 هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۰ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
برابر رای شماره ۱۴۲۵۸۲هـ.ش/۱۴۰۶هـ.ش مورخ ۱۱/۰۲/۱۴۰۴ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای/ خانم سعید سحنائی طاسکوه فرزند جواد بشماره شناسنامه ۵۱۶۰۵۲۹۵۷ صادره از ماسال در شش دانگ یک قطعه زمین باغی یکپایخانه و محوطه به مساحت ۲۶۵ مترمربع پلاک فرعی ۴۰۶ از اصلی۱۹ بخش ۱۶ گیلان واقع در طاسکوه ماسال مفوزی ۱۶ فرعی خریداری از مالک رسمی و... محرز گردیده است.	
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهد شد.	
	تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ – تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ یداله شهبازی چلمه سرا – سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ماسال از طرف صائمه امجدی شناسه آگهی: ۲۲۱۶۴۰۷ به الف: ۷۸۷

نویت دوم	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
 حوزه ثبت ملک شفت	
 آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۱۸۲هـ.ش/۱۴۰۶هـ.ش مورخ ۱۰/۰۲/۱۴۰۴ هیات اول	
موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی خانم سیده زهرا حسنی احمدسرگوبایی فرزند سید واحد به شماره شناسنامه ۲۲۸۳ صادره از شفت در شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احدائی به مساحت ۳۴۰ مترمربع میباشد. به شماره پلاک ثبتی ۹۵۸ مجزی شده از پلاک ۷۲ فرعی واقع در قریه احمدسرگوراب شفت سنگ اصلی ۲۴ بخش ۱ گیلان از مالک رسمی حسین طاهری احمد سرائی گردیده است.	
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض و یا عدم ارائه گواهی تقدیم دادخواست وفق مقررات نسبت به ادامه عملیات ثبتی و صدور سند مالکیت اقدام خواهد شد.	
	تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ نعمت ذوقی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شفت از طرف ابودر زرین پورحسن کیده شناسه آگهی: ۲۲۱۵۲۷۴ به الف: ۸۶۰

گزارشی از حملات آمریکا به جنوب ایران که به شهادت غیرنظامیان در این منطقه انجامید

قایق‌ها که سوختند، زندگی تمام شد

حملات پیاپی به جنوب ایران، اسکله‌ها، شناورها، تأسیسات آبی و ارتباطی را هدف گرفته‌و جنگ را از نقشه‌های نظامی به خانه و سفره مردم ساحل نشین کشانده است



ایران ۱۴۰۵

با شدت گرفتن درگیری‌ها میان ایران و ارتش آمریکا در جنوب کشور، حملات این ارتش به‌صورت روزانه ادامه یافته و دامنه خسارت‌های جانی و مالی آن، مانند جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، غیرنظامیان را نیز تهدید می‌کند. علاوه بر شهادت دو جوان صیاد اهل بندرعباس در حمله ۱۸ تیر و خسارت سنگین به تأسیسات و زیرساخت‌های صیادی در هرمزگان و بوشهر، گزارش‌ها از شهادت یک کارمند سازمان آب و برق خوزستان در پی حمله به منطقه «جراحی» حکایت دارد. همچنین پرتابه‌های ارتش آمریکا به یک دکل روستایی و تأسیسات آبی در خوزستان اصابت کرده است؛ تأسیساتی که به غیرنظامیان خدمات ارائه می‌دادند.



استاره حجتی |

روزنامه نگارا

گرگ‌ومیش سحرگاه بود که «امید» و «مرتضی» تصمیم گرفتند سری به قایق‌ها بزنند و اگر دریا آرام بود، قایقی به آب ببندازند. هنوز آفتاب طلوع نکرده بود و ماهی‌ها به اعماق نیلی دریا نرفته بودند. شاید می‌شد دراین روزگار سخت معیشتی، تورها را پر از ماهی کرد و پیش از آنکه آفتاب به میانه آسمان برسد، به ساحل بازگشت.

اگرچه دریا این روزها آرام نبود و آسمان آن با موشک‌ها و پرتابه‌ها بر پیچه‌آبی‌اش سایه انداخته بود، اما برای جوان‌هایی که از کودکی با دریا بزرگ شده بودند، این ناآرامی مانعی برای رفتن به آب نبود. کسانی که نخستین قدم‌های کودکی‌شان را

خبر |

جمع‌آوری زباله چالش اصلی شهرآبادان

در شرایطی که گرمای طاقت‌فرسای هوا، مدیریت پسماند در

آبادان را با چالش‌های بهداشتی روبه‌رو کرده است، ساماندهی اصولی زباله‌ها با هدف حفظ سلامت عمومی و ترویج فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی، بیش از هر زمان دیگری به مشارکت فعال شهروندان نیاز دارد.

مدیریت پسماند در کلان‌شهرها همواره یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی و بهداشت عمومی محسوب می‌شود؛ موضوعی که تحقق آن به تعامل دوسویه میان متولیان شهری و شهروندان نیاز دارد.

در آبادان، همزمان با افزایش تولید روزانه پسماند، مطالبات شهروندان برای ساماندهی فرایند جمع‌آوری، جلوگیری از رهاسازی زباله‌ها و اجرای دقیق طرح تفکیک از مبدأ افزایش یافته است. این موضوع، سازمان پسماند شهرداری آبادان را بر آن داشته است تا با تکیه بر آموزش‌های همگانی و برنامه‌ریزی‌های اجرایی، برای پاسخ به چالش‌های موجود و ارتقای سطح سلامت محیط‌زیست و بهداشت عمومی منطقه اقدام کند.

جمعی از شهروندان آبادانی با تأکید بر ضرورت حفظ پاکیزگی محیط‌های عمومی و طبیعی شهری، خواستار جمع‌آوری به‌موقع زباله‌های رهاشده و اجرای طرح تفکیک زباله از مبدأ شدند. یکی از شهروندان آبادانی ساکن جمشیدآباد گفت: افزایش آگاهی عمومی درباره آثار زیان‌بار رهاسازی پسماند در طبیعت و تشویق شهروندان به مشارکت در فعالیت‌های محیط‌زیستی ضروری است.

اتبسام پجاری افزود: مشارکت شهروندان در تفکیک زباله از مبدأ می‌تواند نقش مؤثری در کاهش آلودگی‌های محیطی و برنامه‌شدن فرهنگ حفاظت از منابع طبیعی داشته باشد.

وی ادامه داد: زباله‌های جمع‌آوری‌شده باید تفکیک و برای بازیافت یا دفع اصولی به مراکز مربوط منتقل شوند.

یکی از اهالی کوی ذوالفقاری نیز گفت: حفظ محیط‌زیست وظیفه‌ای همگانی است و همه باید در ارتقای فرهنگ

پیام جنوب

بامداد می‌گوید: «اینجاصیادهاشب برای صیدمی‌روند. معمولاً از ۱۰ شب تا ۴ صبح در دریا هستند. اما اسماعیل و امیدگویا تصمیم گرفته بودند یا به دریا بروند یا سری به قایق‌ها بزنند. قایق‌های دریابانی رازندند. قایق این‌چپه‌هاهم کنارقایق دریابانی بود.» او ادامه می‌دهد: «همان زمان که این دو جوان می‌آیند، نمی‌دانم دقیقاًچندسال داشتند. اماخیلی جوان وکم‌سن‌وسال بودند. همان زمان اصابت اتفاق می‌افتد و دیگر خودتان می‌دانیدچه‌می‌شود.»

این آخرین جمله‌ای است که اسماعیل می‌گوید: «دیگر توضیحی‌نیست.»

خسارت واردشده به صیادان محلی بندرعباس با از دست رفتن جان دو جوان، قابل محاسبه نیست. اما بخشی از خسارت‌هاکه با عدد سنجیده می‌شود نیز برای این اهالی سنگین است.

«رامرزجامه‌گیر»، عضویتیمدبیره تعاونی صیادان «پشت‌شهر» بندرعباس، می‌گوید ده‌ها فروند قایق صیادی از بین رفته و خسارت واردشده به زیرساخت‌های صیادی بسیار زیاد است: «دست‌کم ۴۰ فروند قایق صیادی در حملات ۱۷ و ۱۸ تیر به‌طور کامل از بین رفت. ارزش هریک از این‌قایق‌ها حدود دو میلیارد تومان برآورد می‌شود و نابودی آنها خسارت سنگینی به صیادان این منطقه وارد کرده است. پرتابه دیگری نیز به اسکله شناور صیادان در اسکله پنج‌پله اصابت کرد که در نتیجه آن، این شناور به‌طور کامل غرق شد.»

دیگر هیچ ندارند

اما فقط بندرعباس نبود که صیادانش قایق‌ها و جان عزیزانشان را از دست دادند. چند شب پیاپی است که جاسک، سیریک، میناب و حتی عسلویه در استان بوشهر نیز از این حملات درامان نمانده‌اند.

«ابراهیم بوهندی» از اهالی عسلویه بر بوشهر می‌گوید: «به اسکله صیادی روستای «بنود» حمله شد. حدود هشت روستا قایق‌هایشان را در این اسکله قرار می‌دهند. هنگام حمله، ۴۸ قایق در اسکله لنگر داشت که ۱۰ قایق به‌طور کامل سوخت. خسارت هر فروند قایق حدود ۲.۵ تا ۳ میلیارد تومان است؛ پولی که یک صیاد باید طی سال‌های طولانی و با کار بسیار به دست بیاورد.»

او ادامه می‌دهد: «بنود آخرین منطقه استان بوشهر است که به استان هرمزگان چسبیده‌است. هنوز بخشی درباره جریان خسارت مطرح نشده است. اهالی روستاهایی که خسارت دیده‌اند، حتی پیش از جنگ نیز روزگار آسانی نداشتند. وضعیت مالی آنها مناسب نیست. همین اسکله بنود هم هیچ امکاناتی ندارد و صیادان این منطقه به سختی کار می‌کنند. تنها دلخوشی مردم، شهرک سینمایی فیلم «محمد رسول‌الله» ساخته مجید مجیدی است که با باعث می‌شود گاهی گردشگران به منطقه بیایند.»

ابراهیم توضیح می‌دهد که این اسکله صیادی حتی در روزهای صلح نیز مورد توجه مسئولان شیلات یا سازمان بنادر نبوده است؛ چراکه منطقه اقتصادی عسلویه همیشه بر آن سایه انداخته بود: «عسلویه را همه به‌عنوان یک منطقه اقتصادی می‌شناسند و حتی تصور بیشتر مسئولان هم این بوده که همه اهالی در همین منطقه اقتصادی و صنعتی کار می‌کنند. در حالی که این‌طور نیست. بیشتر این صیادان یا مهارتی برای کار در منطقه اقتصادی ندارند، یا بی‌سواد هستند و یا سالمندند. بنابراین تمام زندگی‌شان به همین صید وابسته بود. حالا کسانی که قایق‌هایشان را از دست داده‌اند، یعنی همه چیزشان را باخته‌اند.»

قایق‌های به خشکی نشسته

در بندرعباس اما به نظر می‌رسد بسیاری از مردم به شنیدن صدای انفجارها عادت کرده‌اند. امیر یکی از ساکنان بندرعباس، می‌گوید: «وضعیت شهر بندرعباس اکنون عادی است. چهارشنبه که به اسکله صیادی حمله شد، کمی التهاب ایجاد کرد و بسیاری از مردم از خانه‌ها بیرون آمدند. اما در جنگ ۱۰ روزه اوضاع کاملاً غیرعادی بود و عملاً بسیاری از مردم از خانه‌ها بیرون نمی‌آمدند. فقط شب‌ها در بخش‌هایی از شهر تجمع‌هایی شکل می‌گرفت.» او ادامه می‌دهد: «اسکله صیادی که مورد حمله قرار گرفت، پشت بازار ماهی‌فروشان جدید است. تعدادی از شناورهای صیادی و لنج‌ها آسیب دیدند. قایق، تمام زندگی صیادان است و اگر آسیب ببینند، مهم‌ترین دارایی آنها از بین می‌رود. به همین دلیل، آن شب شنیدم بسیاری از صیادان و قایق‌داران، قایق‌های خود را به خشکی منتقل کردند و در محل امن گذاشتند.»

خبر |

عصر یکشنبه اما حملات به جنوب ایران افزایش یافت. این بار شدیدترین حملات متوجه جزیره کوچک قشم شد. بنا بر اعلام رسمی دولت، بخش‌هایی از بندرعباس، قشم، بندرلنگه و حاجی‌آباد هدف حمله قرار گرفتند؛ حملاتی که به گفته مسئولان، مناطق نظامی را هدف قرار داده بودند.

«حسین امیرتیموری»، فرماندار قشم، نیز تأیید می‌کند که در این حملات ۱۰ پرتابه به جزیره قشم اصابت کرده است. او می‌گوید: «در حمله دشمن به فازور بندرلنگه، متأسفانه یکی از نیروهای نگهداری همراه اول در حین انجام کار به شهادت رسید و دو همکار او نیز مجروح شدند.»

حملات ارتش آمریکا به ایران ادامه دارد؛ ارتشی که مدعی هدف قرار دادن مناطق نظامی است، اما به گفته منابع محلی و مسئولان، همچنان غیرنظامیان نیز از تبعات آن آسیب می‌بینند؛ یکی جان خود را از دست می‌دهد، دیگری دارایی و تمام زندگی‌اش را.

برای بخش‌هایی از جنوب ایران اما جنگ دیگر فقط ترس نیست.

دیگر از چه بترسیم؟

زینب، یکی از اهالی میناب، می‌گوید میناب دیگر نمی‌تواند رخت عزارا زن درآورد: «روز گذشته هم صدای انفجارهایی از اطراف به گوش می‌رسید. اینجا دیگر هیچ‌کس نمی‌تسد. بعد از آنچه بر سر درانه‌های میناب در نخستین روز جنگ آمد (اشاره به حمله آمریکا به مدرسه شجره طیبه که به گفته منابع محلی، در آن شماری از غیرنظامیان، از جمله دانش‌آموزان، کشته شدند)، دیگر هیچ‌کس چیزی برای از دست دادن ندارد که بخواهد در آن بترسد. جنگ تمام شود یا نشود، رخت عزای میناب کنار نمی‌رود. این داغ با پایان جنگ هم تمام نمی‌شود.»

گسترش حملات

در زمان تنظیم این گزارش، ظهر روز دوشنبه، حملات ارتش آمریکا به نقاطی از ایران ادامه داشت. گزارش خبرگزاری‌های رسمی حاکی از آن بود که حملات جدیدی در برخی مناطق جنوبی کشور انجام شده و برخی منابع خبری ساکنان محلی از شنیده شدن صدای انفجارهایی در حوالی بندرعباس و جزیره قشم خبر داده‌اند.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، بامداد دوشنبه بندرعباس، قشم، بوشهر، اهواز، ماهشهر و آبادان نیز هدف حملات قرار گرفته بودند. استاندار هرمزگان دقایقی پس از این حملات اعلام کرد: «در حملات جدید آمریکا به برخی نقاط استان، تاکنون مصدوم غیرنظامی یا خسارت به زیرساخت‌های مسکونی و تجاری گزارش نشده است.» همچنین صداوسیما گزارش داد که بر اساس اطلاعات اولیه، یک دکل مخابراتی اطراف روستای «طاهروی» در شهرستان سیریک هدف حمله قرار گرفته است؛ همان نقطه‌ای که در حملات پیشین نیز آسیب دیده بود.

استانداری هرمزگان در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «در حملات جدید آمریکا به شهر بندرعباس و قشم، مصدوم غیرنظامی یا خسارت به زیرساخت‌های مسکونی و تجاری گزارش نشده است. طی چند شب گذشته، نیروهای آمریکایی حملاتی را به خط ساحلی جنوب کشور انجام داده‌اند که موجب شهادت تعدادی از صیادان و مدافعان وطن و همچنین خسارت‌های گسترده به صیادان در بندرعباس و سیریک شده است.» همزمان، مدیرعامل سازمان آب و برق خوزستان از شهادت و مجروح شدن کارکنان شرکت بهره‌برداری «زهره» و «جراحی» در پی حمله به یکی از تأسیسات آبی استان خبر داد.

یرزا به نقل از «عباس صدریان‌فر» نوشت: «بامداد روز دوشنبه ۲۲ تیرماه، اسکله پمپاژ زهکش RMD هندیجان که در حفاصل محور ماهشهر- هندیجان قرار دارد، هدف حمله قرار گرفت. در جریان این حمله، «شاگرد محیسنی» از کارکنان شرکت بهره‌برداری شبکه‌های آبیاری زهره و جراحی به شهادت رسید و یکی دیگر از کارکنان این واحد نیز مجروح شد که هم‌اکنون تحت مراقبت و درمان قرار دارد.»

او افزود: «ایستگاه پمپاژ زهکش RMD یکی از تأسیسات عملیاتی است که در مدیریت و تخلیه زآب اراضی کشاورزی منطقه نقش مؤثری دارد و استمرار فعالیت آن برای حفظ کارایی شبکه‌های آبیاری و زهکشی اهمیت ویژه‌ای دارد.» همزمان، معاون امنیتی و انتظامی استاندار اصفهان از وقوع حمله در محدوده شهرستان نایین خبر داد. «اکبر صالحی» گفت: «در دقایق اولیه بامداد دوشنبه ۲۲ تیر حمله به منطقه‌ای از محدوده شهرستان نایین، یک شهید و هفت مجروح برجا گذاشت. مجروحان به‌صورت سریایی مداوا شدند و اوضاع تحت کنترل است.»

خبر |

نماینده اندیمشک خواستار شفافیت در اعتبارهای مسئولیت اجتماعی شد

نماینده مردم اندیمشک در مجلس شورای اسلامی با انتقاد از نبود شفافیت در توزیع اعتبارهای مسئولیت اجتماعی گفت: میزان، سهم، سقف و کف اعتبارهای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و صنایع باید مشخص و شفاف شود.

به گزارش ایرنا، جهانبخش قلاوند روز دوشنبه در آیین توزیع تجهیزات آموزشی و کمک‌آموزشی به آموزش و پرورش اندیمشک که از محل اعتبار مسئولیت اجتماعی وزارت نفت و در سالن حجاب این شهرستان برگزار شد، افزود: اگرچه استانداری خوزستان اقدام‌هایی برای ساماندهی اعتبارهای مسئولیت اجتماعی شرکت‌های مستقر در استان انجام داده است، اما هنوز میزان سقف و کف اعتبارهای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و صنایع باید مشخص و شفاف شود.

به گزارش ایرنا، جهانبخش قلاوند روز دوشنبه در آیین توزیع تجهیزات آموزشی و کمک‌آموزشی به آموزش و پرورش اندیمشک که از محل اعتبار مسئولیت اجتماعی وزارت نفت و در سالن حجاب این شهرستان برگزار شد، افزود: اگرچه استانداری خوزستان اقدام‌هایی برای ساماندهی اعتبارهای مسئولیت اجتماعی شرکت‌های مستقر در استان انجام داده است، اما هنوز میزان سقف و کف اعتبارهای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و صنایع باید مشخص و شفاف شود.

قلاوند با اشاره به تصویب یک هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال اعتبار مسئولیت اجتماعی برای اندیمشک گفت: ۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۴۰۳ و ۸۵۰ میلیارد ریال اعتبار مسئولیت اجتماعی نفت در سال ۱۴۰۴ برای این شهرستان تصویب شده است که تخصیص این اعتبارها در حال پیگیری است.

نماینده مردم اندیمشک در مجلس شورای

خبر |

استاندار خوزستان:

در شرایط جنگی

بامحتکران شوخی نداریم

استاندار خوزستان گفت: «در شرایط جنگی، احتکار و گران‌فروشی به معنای ایستادن مقابل مردم است. ما در شرایط جنگی هستیم و با کسی که بخواهد از این شرایط سوءاستفاده کند، شوخی نداریم.»

سیدمحمدرضا مولایی‌زاده، در جلسه ستاد تنظیم بازار استان خوزستان با اشاره به دستورکارهای این نشست، به‌ویژه تأمین کالا‌های اساسی، اظهار کرد: میزان و مقدار کالا‌های مورد نیاز بررسی شد و خوشبختانه از این نظر مشکلی وجود ندارد. کالا‌های اساسی به اندازه کافی در بازار موجود است.

وی با اشاره به موضوع قیمت‌ها گفت: از ابتدای کار، ستاد و مجموعه‌ای برای نظارت بر بازار تشکیل دادیم که با همکاری تعزیرات حکومتی، هر روز وضعیت بازار را به‌صورت میدانی بررسی کنند. قرار شد تعداد اکپ‌های بازرسی افزایش یابد، ساعات نظارت بیشتر شود و در شهرستان‌ها نیز با جدیت بیشتری این روند دنبال شود.

استاندار خوزستان با تأکید بر ضرورت برخورد قاطع با تخلفات در شرایط فعلی بیان کرد؛ وقتی می‌بینیم مردم چنین پای کار هستند و ایستادگی می‌کنند، باید با تمام توان در خدمت آن‌ها باشیم و اجازه ندهیم در تأمین کالا‌های مورد نیاز دچار مشکل شوند.

مولایی‌زاده ادامه داد: در شرایط جنگی، احتکار و گران‌فروشی به معنای ایستادن مقابل مردم است. ما در شرایط جنگی هستیم و با کسی که بخواهد از این وضعیت سوءاستفاده کند و فقط به منافع شخصی خود فکر کند، شوخی نداریم. وی افزود: مردم در صورت مشاهده احتکار، گران‌فروشی یا عرضه کالا‌های بی‌کیفیت، موضوع را گزارش کنند تا دستگاه‌های مربوطه آن را پیگیری کنند.

استاندار خوزستان درباره احتمال تعطیلی استان در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه به دلیل افزایش دمای هوا نیز گفت: این موضوع باید بررسی شود تا مشخص شود به چه شکلی باید عمل کنیم. هفته گذشته چند روز تعطیلی داشتیم و در این هفته باید به‌گونه‌ای تصمیم‌گیری شود که امور مردم دچار وقفه نشود.

وی ادامه داد: این موضوع در کارگروه مربوطه بررسی خواهد شد و باید تصمیمی اتخاذ شود که روند خدمات‌رسانی و انجام امور مردم با اختلال مواجه نشود. / ایسنا

خبر |

کتابخانه مرکزی اهواز در محاصره آسیب‌های اجتماعی

سرپرست اداره کل کتابخانه‌های عمومی خوزستان با هشدار نسبت به وضعیت پیرامونی کتابخانه مرکزی اهواز گفت: نبود حریم مشخص برای این مجموعه فرهنگی، زمینه‌برآسیب‌های اجتماعی در اطراف آن را فراهم کرده است؛ به‌طوری‌که این کتابخانه در محاصره افراد بی‌خانمان و معتادان قرار گرفته است.

حجت‌الاسلام والمسلمین ماجدمنابی، در نشست انجمن کتابخانه‌های عمومی خوزستان، تعیین حریم کتابخانه مرکزی اهواز را یک ضرورت دانست و اظهار داشت: این مجموعه، مهم‌ترین مرکز فرهنگی، پژوهشی و مطالعاتی استان است و روزانه میزان دانشجویان، پژوهشگران، دانش‌آموزان و خانواده‌هاست؛ اما به دلیل نداشتن حریم مشخص و مرزبندی فیزیکی با پارک ساحلی کاینابرس، مدیریت و صیانت مناسب از محیط پیرامونی آن با مشکلات جدی روبه‌رو شده است. مناب‌ی، حضور افراد معتاد، افراد بی‌خانمان و برونز برخی آسیب‌های اجتماعی در اطراف کتابخانه را از پیامدهای نبود حریم مناسب عنوان کرد و گفت: در صورت ساماندهی این فضا، امکان اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی، از جمله طرح «کتاب‌خوانی خانواده»، در محوطه اطراف کتابخانه فراهم خواهد شد.

وی از مسئولان، به‌ویژه شهرداری اهواز، خواست حریم رسمی کتابخانه مرکزی را تعیین کنند و عرصه پیش‌بینی‌شده برای اجرای طرح حریم‌سازی، ساماندهی محیط پیرامونی و ارتقای امنیت این مرکز فرهنگی را در اختیار نهاد کتابخانه‌های عمومی قرار دهند.

سرپرست اداره کل کتابخانه‌های عمومی خوزستان با اشاره به کاهش چشمگیر مراجعه‌کنندگان به این کتابخانه افزود: کتابخانه مرکزی اهواز زمانی بیش از ۱۰ هزار عضو فعال داشت، اما اکنون شمار اعضای آن به حدود سه هزار و ۴۰۰ نفر رسیده است.

همچنین آمار امانت کتاب که زمانی سالانه به ۱۹۰ هزار جلد می‌رسید، کاهش قابل توجهی یافته‌است که بخشی از آن ناشی از تعطیلی طولانی‌مدت کتابخانه‌است.

وی با اشاره به توقف طرح بازآرخی کتابخانه مرکزی گفت: این طرح از سال ۱۴۰۲ آغاز شد، اما به دلیل پرداخت‌نشدن اعتبارات از سوی اداره کل فوسازی، توسعه و تجهیز مدارس خوزستان متوقف شده است و اکنون بخش قابل توجهی از کتاب‌ها در کارتن نگهداری می‌شوند. / ایرنا



آتش خاموشی

نگاه «پیام ما» به جایگاه تهران در گزارش زیست‌پذیری ۲۰۲۶

جنگ، تهران را به انتهای جدول برد

زیست‌پذیری پایتخت ۱۰ رتبه سقوط کرده است، اما امتیازهای پایین زیرساخت، فرهنگ و محیط زیست نشان می‌دهد بحران زیست‌پذیری تهران، پیش از جنگ آغاز شده بود

اپیام ما صبح در تهران با سروصدا و شلوغی آغاز می‌شود؛ با ویراژ و بوق خودروهای آلاینده‌ای که در بزرگراه‌ها متوقف مانده‌اند، قطارهایی که بیش از ظرفیت واگن‌ها مسافران را در خود جای داده‌اند و مردمی که برای رسیدن به محل کار و مدرسه یا بیمارستان، هر روز بخشی از توان خود را در این مسیر جا می‌گذارند. در ماه‌های جنگ، صدای هشتدار و نگرانی از حمله نیز به این فرسودگی قدیمی اضافه شد. حالا نام تهران در گزارش زیست‌پذیری جهانی ۲۰۲۶، کنار شهرهایی آمده است که جنگ، فقر یا ترکیبی از هر دو، زندگی روزمره را در آن‌ها دشوار کرده است.

تهران برای نخستین‌بار وارد فهرست ۱۰ شهر انتهایی شاخص زیست‌پذیری جهانی شده است. واحد اطلاعات اگنومیسیت در تاودترین ارزیابی خود، پایتخت ایران را با امتیاز ۴۵ از ۱۰۰ در رتبه ۱۶۴ قرار داده است. تهران بالاتر از هراړه (زیمبابوه)، کیف (اوکراین)، پورت مورزی (پاپواگینه‌نو)، لاگوس (نیجریه)، الجزیره (الجزایر)، کارچی (پاکستان)، داکا (بنگلادش)، طرابلس (لیبی) و دمشق (سوریه) قرار گرفته، اما همچنان در همان بخش تاریک جدول ایستاده است؛ بخشی که در آن زندگی شهری فقط باکیودآسایش سنجیده نمی‌شود، بلکه معیار میزان دشواری ادامه زندگی است. این گزارش، جنگ ایران را علت مستقیم ورود تهران به جمع ۱۰ شهر پایین جدول معرفی می‌کند.
باین حال، اعداد روایت پیچیده‌تری دارند. تهران در حوزه ثبات ۴۰ امتیاز گرفته است. امتیاز زیرساخت این شهر ۳۹، فرهنگ و محیط ۳۷ و آموزش ۵۸ است. بهداشت و درمان نیز با امتیاز ۶۳، بالاترین نمره تهران در میان پنج حوزه اصلی محسوب می‌شود. این ترکیب نشان می‌دهد جنگ، ضربه نهایی را وارد کرده، اما شهری را هدف گرفته است که پیش از آن نیز در بخش‌هایی از زندگی روزمره، توان کافی برای محافظت از شهروندانش نداشته است.

۱۰ ورود تهران به جمع شهرهای جنگ‌زده

شاخص زیست‌پذیری فقط شهرهای زیبا، ثروتمند یا گردشگری‌پذیر را رتبه‌بندی نمی‌کند. واحد اطلاعات اگنومیسیت بیش از ۳۰

حاصل ده‌ها تصمیم‌گیری، سرمایه‌گذاری و اولویت‌گذاری است. از همین رو، امتیاز پایین زیرساخت تهران را باید نشانه آسیب‌ی ساختاری دانست؛ آسیبی که جنگ آن را آشکارتر کرده و هزینه‌هایش را افزایش داده است. همین وضعیت در امتیاز «فرهنگ و محیط» نیز دیده می‌شود. عنوان این بخش ممکن است در نگاه نخست فقط موزه، سینما یا فضای سبز را به ذهن بیاورد، اما روش ارزیابی اگنومیسیت دامنه گسترده‌تری دارد. شرایط اقلیمی، محدودیت‌های اجتماعی و مذهبی، سانسور دسترسی به امکانات فرهنگی و ورزشی و میزان دسترسی به کالاهای و خدمات مصرفی، همگی در این ارزیابی محاسبه می‌شوند.
بنابراین، امتیاز ۳۷ تهران، کیفیت محیط اجتماعی و امکان انتخاب و دسترسی در زندگی شهری را نیز بازتاب می‌دهد. در همین نقطه، جنگ و بحران مزمن شهر به هم می‌رسند. در شهری که پیش‌تر دسترسی به زیرساخت و محیط مطلوب محدود بوده است، شوک امنیتی می‌تواند آسیب بیشتری ایجاد کند. توان شهر برای تحمل بحران فقط به شمار پناهگاه‌ها یا قدرت سامانه‌های دفاعی وابسته نیست. این‌توان به بیمارستانی که در بحران همچنان کار کند، محل‌ونقلی که مردم را جابه‌جا کند، شبکه انرژی‌ای که قطع نشود و نهادی که اطلاعات روشن و قابل اعتماد در اختیار شهروندان بگذارد نیز وابسته‌است.

۱۰ بهداشت؛ بالاترین نمره تهران

در میان امتیازهای تهران، بهداشت و درمان با نمره ۶۳ وضعیت بهتری دارد. این بخش، دسترسی به خدمات درمانی دولتی و خصوصی، کیفیت این خدمات، امکان تهیه دارو و برخی شاخص‌های عمومی سلامت را ارزیابی می‌کند. نمره تهران در این حوزه، هرچند فاصله زیادی با شهرهای بالای جدول دارد، از سایر ابعاد زیست‌پذیری پایتخت بیشتر است. این تفاوت، یکی از تناقض‌های مهم شهر را نشان می‌دهد. تهران هنوز از بخشی از ظرفیت‌های تخصصی و خدماتی برخوردار است، اما محیطی که این خدمات در آن ارائه می‌شوند، امتیاز بسیار پایینی‌تری دارد. بیمارستان و پزشک به‌تنهایی شهر را زیست‌پذیر نمی‌کنند؛ به‌ویژه اگر رسیدن به بیمارستان دشوار باشد، انرژی و ارتباطات پایدارى نداشته باشند یا بحران امنیتی امکان استفاده از خدمات را محدود کند.

آموزش نیز با امتیاز ۵۸، در میانه کارنامه تهران ایستاده است. این امتیاز از ثبات، زیرساخت و فرهنگ و محیط بهتر است، اما

همچنان با شهرهای بالای جدول فاصله دارد. در میان ۱۰ شهر نخست، همه شهرها امتیاز کامل ۱۰۰ در حوزه آموزش گرفته‌اند.

کپنهاگ (دانمارک)، شهر نخست جدول، در ثبات، آموزش و زیرساخت نیز امتیاز کامل دارد؛ یعنی دقیقاً در حوزه‌هایی که

درصد است. در بخش ثبات، علاوه بر آمار جرم، خطر حمله تروریستی، دگریزی نظامی و ناآرامی داخلی نیز مستقیماً بر امتیاز شهر اثر می‌گذارد. جنگی که گزارش آغاز آن را فوریه ۲۰۲۶ و همین‌امز حملات اسرائیل و آمریکا به ایران اعلام کرده است، نه‌تنها امتیاز تهران را کاهش داده، بلکه شهرهای منطقه را نیز با خود به عقب کشیده است. با وقوع جنگ، میانگین امتیاز شهرهای خاورمیانه و شمال آفریقا یک واحد کاهش یافته و ۱۸ شهر این منطقه به‌طور متوسط بیش از سه رتبه سقوط کرده‌اند. مسقط (عمان) ۱۴ رتبه و کویت‌ستی (کویت) ۱۲ رتبه پایین رفته‌اند. از این‌رو، سقوط تهران را نمی‌توان فقط رخدادی محلی دانست. شبکه‌ای از شهرها را در سراسر منطقه آسیب‌پذیر کرده است؛ از پایتخت‌هایی که مستقیماً در معرض حمله قرار گرفته‌اند تا شهرهایی که با تهدید اختلال در حمل‌ونقل، انرژی، تجارت و جریان کالا روبرو شده‌اند. در چنین وضعیتی، «ثبات» دیگر مفهومی سیاسی و دور از زندگی روزانه نیست. ثبات یعنی خانواده‌ای بدان فردا مدرسه باز است، بیمارستان دارد دارو، پرواز برقرار است و خانه‌اش در معرض حمله قرار نمی‌گیرد.

واحد اطلاعات اگنومیسیت نوشته است تقریباً همه شهرهای پایین جدول از جنگ، فقر یا ترکیبی از این دو آسیب دیده‌اند و همگی در حوزه ثبات امتیاز ضعیفی دارند. تهران در این جدول کنار کیف قرار گرفته است؛ پایتختی که سال‌هاست زندگی روزمره در آن زیر سایه جنگ ادامه دارد. دمشق همچنان با امتیاز ۳۲ در انتهای جدول ایستاده و طرابلس با امتیاز ۴۱، یک پله بالاتر از آن قرار گرفته است.

۱۰ جنگ، همه داستان تهران نیست

ورود تهران به جمع ۱۰ شهر انتهایی، مستقیماً به جنگ نسبت داده شده است؛ اما فاصله میان امتیازهای مختلف پایتخت نشان می‌دهد مسئله فقط کاهش ثبات نیست. حتی اگر نمره ۴۰ ثبات را کنار بگذاریم، تهران در دو حوزه دیگر نیز امتیازی پایین‌تر از ۴۰ دارد؛ فرهنگ و محیط با امتیاز ۳۷ و زیرساخت با امتیاز ۳۹. از ارزیابی اگنومیسیت، زیرساخت مجموعه‌ای از راه‌ها، حمل‌ونقل عمومی، ارتباطات بین‌المللی، مسکن مناسب، انرژی، آب و ارتباطات مخابراتی را در بر می‌گیرد. بنابراین، نمره ۳۹ را نمی‌توان فقط به یک خیابان، یک خط مترو یا موارد خاموشی نسبت داد. این امتیاز، تصویری دشوار از شهری است که بخش‌های گوناگون آن نمی‌توانند متناسب با نیاز جمعیت و پیچیدگی زندگی شهری، خدمات مطمئن و یک‌بافت فراهم کنند. جنگ می‌تواند فروگذارها را تعطیل کند، شبکه انرژی را در معرض خطر قرار دهد و دسترسی به خدمات را دشوارتر کند، اما ظرفیت زیرساخت شهری در چند ماه ساخته یا نابود نمی‌شود. شبکه حمل‌ونقل، کیفیت مسکن، تأمین آب و برق و ارتباطات،

رتبه	شهر	کشور	نمره کلی	ثبات	فرهنگ و محیط	بهداشت	آموزش	زیرساخت
۲۹	دولین	ایران	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۲۸	توران	رومانیو	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۲۷	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۲۶	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۲۵	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۲۴	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۲۳	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۲۲	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۲۱	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۲۰	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۱۹	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۱۸	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۱۷	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۱۶	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۱۵	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۱۴	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۱۳	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۱۲	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۱۱	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۱۰	کیرات	کیرات	۲۵	۴۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲

نکات کلیدی:

• سقوط (نمره) یا نمره ۲۲ در آخرین رتبه (۱۹۷۲) قرار دارد و همچنان در حال بود؛ از میان تمام شاخص‌های جهانی، تنها شهرها تحت تأثیر جنگ یا فقر در آن قرار دارند و همان‌تیمه بسیار پایینی در بخش ثبات دارند.

• تهران تنها شهر این فهرست است — به‌عنوان جاذبه ایران که از رتبه ۲۲ تا ۲۴ افتاد شد.

• کارآیی (پروژه‌ها) اسباب با دانش‌های این فهرست شروع شد پس از تغییر دولت در ژانویه ۲۰۲۳.

مسکن، گسل پایتخت

فقر منجر می‌شود.

برای برورن رفت از وضعیت فعلی بازار مسکن، نمی‌توان به نسخه‌های ساده‌انگارانه عرضه صرف اتکا کرد. تاریخ مسکن در جهان گواهی می‌دهد هرجا مسکن به بازی آزاد بازار سپرده شده، نتیجه چیزی جز درد طبقات فرودست و تشدید نابرابری نبوده است. در مقابل، جوامع توسعه‌یافته با مداخله‌های قانونی و نهادی توانسته‌اند مفهوم حق بر شهر را زنده نگه دارند و از تبدیل خانه به ابزاری صرف برای سودآوری جلوگیری کنند. تجربه‌های یک قرن اخیر نشان می‌دهد هرگاه سیاست‌گذار میان امنیت سکونت و آزادی مطلق قیمت‌گذاری یکی را انتخاب کرده، هرجا امنیت سکونت در اولویت قرار گرفته است، ثبات اجتماعی و حتی کارایی اقتصادی افزایش یافته است. نخستین مداخله‌های جدی دولت‌ها در بازار اجاره از دل بحران‌های اجتماعی بیرون آمد. نمونه کلاسیک آن، قانون کنترل اجاره در سال ۱۹۱۵ در بریتانیا (Rent Control Act ۱۹۱۵) است. این قانون در ب‌حیوه جنگ جهانی اول و پس از اعتراض‌های گسترده مستاجران، به‌ویژه در شهرهای صنعتی و در امتداد اعصاب‌های مشهور گلاسکو شکل گرفت. در آن دوره، با افزایش تقاضا برای مسکن و فشار هزینه‌های جنگ، صاحبان خانه‌ها تلاش کردند اجاره‌ها را افزایش دهند. اما این افزایش‌ها به‌سرعت به مسئله‌ای امنیتی و سیاسی تبدیل شد. دولت برای جلوگیری از ناآرامی شهری و برای اینکه خانواده‌های طبقه کارگر که مردانشان در جبهه بودند از شهر رانده نشوند، اجاره‌ها را در سطح پیش از جنگ تثبیت کرد و عملاً اعلام کرد که در شرایط اضطرار حق سکونت برسود مالک مقدم است. مستغلات در سال ۱۹۲۴ شمسی، نخستین جرقه‌های رسمی برای نگاه درآمدی به خانه زده شد. در دوران پهلوی اول و دوم، با شتاب‌گیری شهرنشینی و تمرکزگرایی اداری، تهران به بازاری بزرگ برای زمین تبدیل شد. در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵، با رشد درآمد‌های نفتی و افزایش مهاجرت، مسکن به اصلی‌ترین نیاز حفظ ارزش دارایی در برابر تورم بدل شد. این همان نقطه‌ای است که سفته‌بازی زمین متولد شد؛ پدیده‌ای که از سال‌های پس از ۱۳۶۰ تا امروز همواره یکی از عوامل جهش قیمت‌ها بوده است.

وقتی مسکن وارد منطق دارایی سرمایه‌ای شد، طبیعی بود که رابطه موجر و مستاجر از رابطه‌ای کم‌تنش به رابطه‌ای مبتنی بر قدرت اقتصادی تبدیل شود. در دهه ۱۳۸۰ و به‌ویژه با اجرای پروژه‌هایی مانند مسکن مهر (آغاز سال ۱۳۸۶)، دولت تلاش کرد با عرضه مستقیم، بحران را حل کند. اما تجربه نشان داد که مسکن مهر به دلیل فقدان پیوسته‌های اجتماعی و زیرساختی، در بسیاری از نقاط مانند پردیس یا پردن نه به محله‌ای پویا، بلکه به سکونتگاه‌هایی دوقلوافتاد تبدیل شد. درس تلخ این تجربه که با تجربه شکست‌خورده مجتمع بیل‌مر (Bijlmermeer) در آمستردام در دهه ۱۹۷۰ میلادی نیز هم‌راستا است، این است که مسکن بدون خدمات (مدیرانگاه، مدرسه، حمل‌ونقل و اشتغال) تنها به نداشت

شاخص	مقدار
رتبه کلی	۱۶۴ از ۱۷۲
نمره کلی	۴۵ از ۱۰۰
(Stability)	۴۰
بهداشت (Healthcare)	۶۲
فرهنگ و محیط (Culture & Environment)	۳۷
آموزش (Education)	۵۸
زیرساخت (Infrastructure)	۳۹

جلوگیری شود. این سیاست نشان می‌دهد حتی در ساخت مسکن نیز عدالت فضایی و انسجام اجتماعی باید هدف مستقیم سیاست‌گذاری باشد. در سوی دیگر جهان، فنلاند با کمک نهادهای غیرانتفاعی نشان داد می‌توان مسکن را به‌عنوان ابزاری برای حل مسائل اجتماعی، به‌ویژه بی‌خانمانی، به کار گرفت. نهاد «بنیاد وای» (Y Foundation یا Y-Säätiö) یکی از بازیگران کلیدی سیاست «مسکن نخست» است که از دهه ۲۰۰۰ به بعد به ستون اصلی راهبرد فنلاند برای کاهش بی‌خانمانی تبدیل شد. منطق مسکن نخست این است که پیش از هر برنامه توان‌بخشی یا بازگشت به کار، باید سکونت پایدار تأمین شود. این نهاد با خرید یا مدیریت واحدهای مسکونی و اجاره دادن آنها با نرخ‌های قابل پرداخت، امکان ثبات را برای گروه‌های آسیب‌پذیر فراهم می‌کند. پیام این تجربه برای تهران روشن است: مسکن استیجاری حرفه‌ای اگر به دست نهادهای عمومی یا غیرانتفاعی و با هدف خدمت عمومی اداره شود، می‌تواند هم بازار را تنظیم کند و هم فشار بر گروه‌های کم‌درآمد را کاهش دهد. بدون آنکه کیفیت زندگی شهری قربانی شود.

با این حال، هیچ‌یک از این سیاست‌ها بدون فشار اجتماعی و سازمان‌یافتگی مدنی پایدار نمانده است. تاریخ نشان می‌دهد که بسیاری از دستاوردهای حقوقی مستاجران، نتیجه مستقیم کش جمعی بوده است. در دهه‌های اخیر، سندیکاهای مستاجران و تشکل‌هایی مانند «سندیکای مستاجران» (Sindicat de Logaters) در بارسلون، همچنین شبکه‌های مستاجری در شهرهای مانند برلین و نیویورک، به بازیگران اصلی سیاست مسکن تبدیل شده‌اند. این تشکل‌ها با تولید داده، آموزش حقوقی، سازمان‌دهی کارزارها و در مواردی اعتصاب اجاره (Rent Strikes)، توانسته‌اند موضوع اجاره را از یک مشکل فردی به مسئله‌ای عمومی و سیاسی تبدیل کنند. آنها نشان داده‌اند که مستاجر وقتی تنهاست، در برابر قدرت مالک و بازار بی‌دفاع می‌ماند؛ اما زمانی که جمعی و سازمان‌یافته عمل می‌کند، می‌تواند قواعد بازی را تغییر دهد و دولت را به تنظیم‌گری وادار کند. در تهران، که از خلاهای تعیین‌کننده، همین نبود حمایت‌های پایدار و مستقل برای نمایندگی منافع میلیون‌ها اجارنشین است. مستاجر تهرانی اغلب در مذاکره با مالک تنهاست و ناچار است هر سال با اضطراب تمدید قرارداد روبرو شود؛ درحالی‌که در بسیاری از شهرهای اروپایی، مستاجران از طریق تعاونی‌ها و اتحادیه‌ها قدرت چانه‌زنی جمعی دارند و می‌توانند از تجربه حقوقی و حمایت اجتماعی بهره‌برگیرند. نبود این نهادها باعث می‌شود سیاست‌گذاری نیز به‌سادگی زیر نفوذ منافع مالکان بزرگ و سازندگان کلان قرار گیرد و تصمیم‌های عمومی به نفع گروه‌های کوچک‌امقا قدرتمند مصادره شود.

توان برای عبور از مرحله شکایت‌های پراکنده خانوادگی به مرحله مطالبه‌گری سازمان‌یافته، نیازمند مجموعه‌ای از تغییرات هم‌زمان است: قانون‌گذاری حمایتی برای امنیت قرارداد و کنترل رشد اجاره در مناطق پرتنش، توسعه مسکن اجتماعی محله‌محور یا دسترسی واقعی به خدمات شهری، ایجاد نهادهای حرفه‌ای برای مسکن استیجاری عمومی یا غیرانتفاعی و در نهایت تقویت ظرفیت جامعه

تهران در دو مورد از آن‌ها به امتیازی پایین‌تر از ۴۰ رسیده است. **۱۰ فاصله ۵۳ امتیازی با کپنهاگ**

در یک سوی جدول، کپنهاگ با امتیاز ۹۸ برای دومین سال پیاپی زیست‌پذیرترین شهر جهان است. این شهر در ثبات، آموزش و زیرساخت امتیاز ۱۰۰ گرفته و در بهداشت و فرهنگ و محیط نیز به‌ترتیب ۹۶ و ۹۵ امتیاز دارد. در سوی دیگر، تهران با امتیاز ۴۵ ایستاده است. فاصله این دوشهر ۵۳ امتیاز است، اما معنای واقعی این فاصله را باید در تجربه روزمره شهروندان دید. در شهرهای بالای جدول، زیرساخت قرار نیست فقط در روزهای عادی کار کند؛ بلکه باید هنگام بحران نیز از زندگی محافظت کند. آموزش و بهداشت، خدماتی جداز شهر نیستند. این خدمات در شبکه‌ای از حمل‌ونقل، مسکن، انرژی، امنیت و اعتماد عمومی عمل می‌کنند. زیست‌پذیری از همین پیوندها ساخته می‌شود. ممکن است شهری بیمارستان خوبی داشته باشد، اما اگر برق پایدار، راه دسترسی و امنیت کافی نداشته باشد، بخشی از توان آن بیمارستان از بین می‌رود. میانگین جهانی شاخص در سال ۲۰۲۶، با وجود تحولات گسترده، روی عدد ۷۶.۱ ثابت مانده است. کاهش ۵۰ امتیازی ثبات جهانی با افزایش ۰.۷ امتیازی بهداشت جبران شده است؛ این افزایش بیشتر از بهبود وضعیت شهرهای آسیایی، به‌ویژه شهرهای چین، ناشی می‌شود. در نتیجه، جهان به‌طور متوسط در همان نقطه سال گذشته ایستاده است؛ اما پشت این سکون آماری، برخی شهرها پیش رفته‌اند و برخی دیگر، مانند تهران، با سرعت به انتهای جدول نزدیک شده‌اند. غرب اروپا با میانگین ۹۱.۷ همچنان زیست‌پذیرترین منطقه جهان است. خاورمیانه و شمال آفریقا نیز با میانگین ۶۱، نه‌فقط از جنگ، بلکه از ضعف ساختاری شهرها آسیب می‌بیند. متوسط زیرساخت در این منطقه ۶۴، فرهنگ و محیط ۵۲ و ثبات ۵۵ است. این اعداد نشان می‌دهند کاهش کیفیت زندگی شهری در منطقه، محصول درگیری تازه نیست؛ در واقع جنگ روی بستری فرود آمده است که پیش‌تر نیز تاب‌آوری محدودی داشت. می‌توان رتبه ۱۶۴ تهران را فقط به‌عنوان عددی نگران‌کننده منتشر کرد و مسئولیت آن را به جنگ سپرد. اما چنین خوانشی، بخش مهم‌تر گزارش را پنهان می‌کند. جنگ، ثبات را کاهش داده و تهران را وارد جمع ۱۰ شهر انتهایی کرده است؛ اما امتیازهای ۳۷ و ۳۹ نشان می‌دهند حتی با گشت‌امنیت نیز به‌تنهایی پایتخت را از پایین جدول خارج نمی‌کند. برای بالا رفتن تهران، پایان شرایط جنگی شرطی ضروری است. هرچند کافی نیست. شهر باید بتواند در روزهای عادی و روزهای بحران، آب، انرژی، حمل‌ونقل، مسکن، ارتباطات، خدمات درمانی و امکان زندگی فرهنگی و اجتماعی را حفظ کند.

شاخص	مقدار
رتبه کلی	۱۶۴ از ۱۷۲
نمره کلی	۴۵ از ۱۰۰
(Stability)	۴۰
بهداشت (Healthcare)	۶۲
فرهنگ و محیط (Culture & Environment)	۳۷
آموزش (Education)	۵۸
زیرساخت (Infrastructure)	۳۹

همان‌طور که در نمودار مشخص است، تهران با نمره ۴۵ و ۱۶۴ امتیاز در میان شهرهای ملی‌یافته منطقه دارد و حتی زیر میانگین منطقه (۶۱ MENA) قرار می‌گیرد. شهرهای خلیج فارس مثل ابوظبی (۸۱) و دبی (۸۰) بالاترین نمرات را در این منطقه دارند، در حالی که میان (۳۰-۳۹) در ترکیب‌های شهر به تهران از نظر امتیاز است.

پاداشت

مدنی مستاجران تا بتوانند در فرایند سیاست‌گذاری حضور واقعی داشته باشند. راحل بحران مسکن تهران در ساخت خوابگاه‌های دور دست خلاصه نمی‌شود. راحل، بازگرداندن مفهوم حق سکونت به مرکز حکمرانی شهری است. این مسیر، اگرچه دشوار است، اما تنها راه حفظ پایداری اجتماعی و هویت زیستی تهران در سال‌های پیش‌رو به شمار می‌آید.

در پایان باید به یاد داشت که بدون اصلاح نظام مالکیت زمین، هیچ سیاست تولیدی به نتیجه نهایی نمی‌رسد. ناآرامی که زمین در ایران نه بستری برای سکونت، بلکه برگه سهمی پرسود باشد، سودگران اجازه نمی‌دهند قیمت‌ها به سطح قدرت خرید واقعی بازگرد.

برای حل بحران تهران باید چهار ستون اصلی را به‌طور هم‌زمان پیش برد: تدوین قانون حمایت از مستاجر با قرارداد‌های پایدار و تنظیم اجاره، توسعه خدمات اجتماعی با کیفیت و متصل به خدمات شهری، راندن بازی بخش مسکن استیجاری عمومی رزای تثبیت بازار، و اجرای مالیات‌های سخت‌گیرانه بر احکاتر زمین و خانه‌های خالی. تهران اگر بخواهد از این وضعیت بی‌قراری عبور کند، باید مسکن را دوباره به مفهوم حق اقامت بازگرداند. تاریخ نشان می‌دهد موفقیت در سیاست‌گذاری مسکن همواره با آزاده سیاسی برای توزیع عادلانه فضا حاصل شده است، نه با رها کردن سرخ‌پوشان آسان‌های جنگ یا بازار زمان آن رسیده است که تهران درس‌های تاریخ خود و جهان را به کار بندد و ببپذیرد که خانه در وهله نخست، پناهگاه امنیت آسان است. این تحول مستلزم آن است که مدیران شهری از نگاه صرفاً عمرانی و پروژه‌ای فاصله بگیرند و به سمت حکمرانی محلی حرکت کنند؛ حکمرانی که در آن مسکن نه یک دارایی برای ثروتمندان، بلکه سنگ‌بنای توسعه انسانی و عدالت اجتماعی برای همه شهروندان باشد. این چرخش تاریخی، تنها راه گذار از تهران خسته و مضطرب به شهری است که در آن هر شهروندی سهمی از امنیت سکونت داشته باشد. بدون این تغییر رویکرد، بحران مسکن به کلی شهر را تهدید می‌کند.

اکنون نوبت سیاست‌گذار است که میان سود سوداگران و حق زیست مردم، یک انتخاب تاریخی انجام دهد. تاریخ مسکن، تاریخ همین انتخاب‌هاست.

منابع:
Walter Edward Block (۲۰۰۹). Rent Control: The Myth of Housing Affordability. Ludwig von Mises Institute.
Helmut Gruber (۱۹۹۱). Experiment in Working-Red Vienna. Oxford University Press.
Beng Huat Chua (۱۹۹۷). Political Legitimacy and Housing: The Singaporean Experience. Routledge.
Deborah Kay Padgett, Benjamin Franklin Henwood, and Housing First: Ending Homelessness, Transforming Systems, and Changing Lives. Oxford University Press.
Sam Joseph Tsemberis (۲۰۱۰). Housing First: The Pathways to End Homelessness for People with Mental Illness and Addiction. Hazelden Publishing.

